مطالعات تاریخ اسلام
سال چهارم/ شمارهٔ ۱۵/ زمستان ۱۳۹۱

نهادهای آموزشی مغرب اقصی در عصر بنی‌مرین

عباس برومند اعلم[۱]
رقیه انارکی[۲]

چکیده: بنی‌مرین که دودمانی از قبیلهٔ زناته بودند، با غلبه بر موحدون در فاصلهٔ سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری در منطقهٔ مغرب اقصی ظهور کردند و در پی پیروزی بر تمامی رقبای خارجی و داخلی در این منطقه به قدرت رسیدند. در نتیجهٔ پیروزی‌های سیاسی بنی‌مرین، مغرب چند صباحی را در آرامش و ثبات گذرانید و شهرهایش با ساخته شدن مساجد، مدارس، زوایا، کتابخانه‌ها، حمام-ها، بازارها و غیره به عنوان شهرهای شکوفای اسلامی پدیدار گشتند. عصر مرینیان در مغرب‌اقصی را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های فعالیت مدارس مغرب نیز به حساب آورد. این در حالی بود که حملهٔ مغول در نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم در شرق و ادامهٔ جنگ‌های صلیبی در مصر و شام، باعث اغتشاش و آشفتگی در مراکز علمی، امور دانشمندان و کتابخانه‌ها و به دنبال آن نابسامانی در شرایط آموزشی شرق اسلامی گردیده بود. اما ثبات سیاسی حاصل از حکومت بنی‌مرین، سبب ادامهٔ درخشش نهادهای آموزشی در این بخش از جهان اسلام شد و مغرب توانست در سایهٔ این دولت سهمی داشته باشد در حفاظت از آنچه از علوم اسلامی باقی مانده بود.

مدارس فاس و دیگر بلاد مغرب نیز به برجسته‌ترین مدارس جهان اسلام، به‌ویژه از لحاظ ارائهٔ امکانات و خدمات اقامت به طلاب، تبدیل شد و مدارس آموزشی توسط سلاطین در شهرهای مغرب، همچون فاس، سبته، تلمسان، تازا، مکناس، بادس، طنجه، سلا، دارالبیضاء، ازمور، مراکش و اغمات، به وجود آمد. در سایهٔ این مراکز بود که فرهنگ مغرب در سده‌های میانه توانست به نشاط علمی دست یابد. به نظر می رسد مبانی تعلیم و تربیت مرینی‌ها با تأکید بر مذهب مالکی، و نیز عملکرد امرای مرینی در تأسیس و حمایت مالی از نهادهای آموزشی، در پیدایش فضای مناسب مذکور تأثیر اساسی داشته است.

واژه‌های کلیدی: آموزش در مغرب اقصی، مدرسه، بنی‌مرین، فاس، مراکش

---

۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه بین المللی امام خمینی aboroomanda@yahoo.com
۲ کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۶ تاریخ تأیید: ۹۱/۹/۱۱

The Farthest Maghreb's (Moroccan) Educational Institutions in Marinids' Era

Abbas Burumand A'lam[1]
Rughayya Anaraki[2]

Absteract: Marinids, from 7th to 9th centuries emerged in the Farthest Maghreb by overcoming Movahhedoon. They had built the New Fas beside the Old Fas as their state center. By Marinids' political triumphal, Maghreb was in peace and quiet for a while and its cities were flourished among Islamic cities by building new mosques, schools, bazaars, libraries libraries, etc.

Marinids state had done its cultural and scientific affairs alongside its political and military ones. Within this period the greatests scientists and schoolars semerged in west Islamic World. We can name here same great people like ibn Khaldun, ibn Khatib, al-Muqri, ibn marzooq. The Fas schools and other Maghreb cities which were built by the Marinids` rulers had become prominent schools in Islamic World. The Qaravieen school which was the base of the oldest Maghreb`s schools, became so important in this period. Many educational centers were built by rulers in different cities of the Maghreb. These centers made Maghreb culture getting scientific flourish, and those who were eager gathered there from Islamic Africa.

Keywords: Education in Farthest Maghreb, School, Marinids, Fas, Marocco

1 Assistant Professor of History and Civilization Department, Imam Khomeini International University aboroomanda@yahoo.com
2 Senior Expert in Culture and Civilization History of Islamic Nations, Qazvin International University

مقدمه

بنی‌مرین که دودمانی از قبیلهٔ زناته بودند، با غلبه بر موحدون در فاصلهٔ سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری در منطقهٔ مغرب اقصی ظهور کردند و پس از پیروزی بر تمامی رقبای خارجی و داخلی، در این منطقه به قدرت رسیدند. بنی‌مرین در کنار شهر فاس، فاس الجدید(مدینة البیضاء) را به عنوان مرکز حکومت خود بنا نهادند. آنان پیوسته با بقایای موحدین، بنوعبدالواد و بنی‌حفص درگیر بودند و با یاری رساندن به امرای مسلمان غرناطه و شکست دادن مسیحیان افتخارات جدیدی به دست آوردند. در نتیجهٔ پیروزی‌های سیاسی بنی‌مرین، مغرب چند صباحی را در آرامش و ثبات گذرانید و شهرهای مغرب با ساخته‌شدن مساجد، مدارس، زوایا، کتابخانه‌ها، حمام‌ها، بازارها و غیره به عنوان شهرهای شکوفای اسلامی، پدیدار گشتند.

دولت بنی‌مرین در ضمن اقدامات سیاسی و نظامی خود از امور فرهنگی و علمی غافل نبود؛ سلاطین پیوسته با علما همنشینی داشتند و اهل علم را اکرام می‌نمودند. در این دوره بزرگ‌ترین فقها و محدثان و مشهورترین مورخان و علمای نحو و لغت در غرب جهان اسلام ظهور کردند که از نتایج ظهورشان تألیف کتاب‌های مهمی بود که اهل مغرب و مشرق به طور یکسان از آن‌ها بهره بردند. در این زمینه کافی است که از بزرگانی چون ابن‌خلدون، ابن‌خطیب، عبدالعزیزملزوزی، ابوالحسن الصغیر، ابن‌مرزوق و مقری نام ببریم.

عصر مرینیان در مغرب‌اقصی را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های فعالیت مدارس مغرب نیز به حساب آورد. مبالغه نیست اگر بگوییم در این دوره همهٔ شهرهای مغرب مراکزی برای جذب طلاب و تشنگان معرفت بود؛ چرا که در تمامی آن‌ها از شمال تا دورترین نقطهٔ جنوب، حلقه‌هایی در مساجد و مدارس، چه در شهرها و چه در روستاها، مشاهده می‌شد. این در حالی بود که حملهٔ مغول در نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم در شرق، و ادامهٔ جنگ‌های صلیبی در مصر و شام، باعث اغتشاش و آشفتگی در مراکز علمی، وضع دانشمندان و کتابخانه‌ها و به دنبال آن نابسامانی در شرایط آموزشی شرق اسلامی گردیده بود. اما ثبات سیاسی حاصل از حکومت دولت بنی‌مرین، سبب ادامهٔ درخشش نهادهای آموزشی در این بخش از جهان اسلام گردید و مغرب در سایهٔ این دولت توانست در حفظ آنچه از علوم اسلامی باقی مانده بود، سهمی داشته باشد. از سوی دیگر مرینیان سعی داشتند که قلمرو خود را نه تنها با علمای مغرب اقصی، بلکه با علمای مغرب ادنی و اوسط نیز مزین کنند، تا مشروعیت فرهنگی و فکری لازم را به دست آورند. لذا موضوع مهاجرت علما به فاس در این دوره، نسبت به دوره‌های قبل، شدت بیشتری

گرفت، به ویژه این‌که شمار بسیاری از علمای اندلس نیز در این دوران که دوران سقوط تدریجی اندلس بود، وارد مغرب شدند و حوزهٔ جدیدی از فرهنگ و تمدن اسلامی را در مغرب را پدید آوردند. این حضور گسترده نیز به توسعهٔ نهضت مدرسه‌سازی کمک کرد.

به نظر می‌رسد مبانی تعلیم و تربیت مرینی‌ها با تأکید بر مذهب مالکی، و نیز عملکرد امرای مرینی در تأسیس و حمایت مالی از نهادهای آموزشی، در پیدایش فضای مناسب مذکور در سدهٔ هفتم و هشتم هجری‌قمری مسئله‌ای شایان تأمل و بررسی است. مهم‌ترین پرسش‌هایی که می‌تواند در این پژوهش به بررسی بهتر ابعاد مسئلهٔ مورد نظر کمک کنند، به قرار زیرند: ۱. رویکردهای علمی- آموزشی امرای مرینی در نظام تعلیم و تربیت مغرب اقصی چه تأثیراتی داشت؟ ۲. مهم‌ترین نهادهای تعلیم و تربیت در عهد بنی‌مرین چه نهادهایی بودند؟ ۳. علل شکوفایی نهادهای آموزشی در این دوره چه بود؟

پیشینهٔ ساخت مدرسه در مغرب

آموزش عالی در مغرب در دو مرکز فاس و مراکش برپا بود. جامع قرویین فاس مهد طلاب سرزمین‌های شمالی مغرب، و جامع یوسفیهٔ مراکش مهد علم طلاب جنوب مغرب محسوب می‌شد. فاس موطنی برای علوم شرعی و لغوی به حساب می‌آمد، به گونه‌ای که این شهر را دارالفقه مغرب توصیف کرده‌اند.[۱] از آنجا که فاس مرکز طلاب و اساتید داخل و خارج مغرب شمرده می‌شد، مرکزیت سیاسی و اقتصادی نیز یافته بود.[۲] تا این زمان نهادهای آموزشی و مراکز علمی، یعنی جاهایی که در آن‌ها به طور خاص به آموزش و تدریس می‌پرداختند، غالباً به صورت مکتب‌های قرآنی، مساجد جامع و زاویه جلوه‌گر می‌شدند. مکتب‌های قرآنی مانند مدارس ابتدایی، و زاویه‌ها به مثابهٔ دبیرستان‌های امروزی بودند. علاوه براین‌ها، مراکز عالی نیز وجود داشت که جامع قرویین مهم‌ترین مرکز در میان آن‌ها بود و مکانی برای تعلیم دانشمندان بزرگ به شمار می‌آمد و مراکز دیگر به عنوان فروع الحاقی‌اش محسوب می‌شدند.[۳]

اما اکثر منابع متفق‌اند که مدرسه به مفهوم جدید آن ظاهراً از دوران بنی‌مرین در مغرب

---

۱ محمد المنونی[بی‌تا]، *ورقات عن حضارة المرینین*، رباط: نشر کلیة الآداب و العلوم الانسانیة مملکة المغربیة جامعة محمد الخامس، ص۲۱۱.

۲ حسن‌السائح(۱۹۶۹م)، «الفکر المغربی فی عصر بنی‌مرین»، *مجلة دعوة الحق*، مجلة شهریه تعنی بالدراسات الاسلامیه و بشؤون الثقافة و الفکر، رباط: وزارت عموم الاوقاف، س۱۲، ش ۸-۹، ص۱۴.

۳ محمد لواح(۱۴۱۲ق)، «مراکز التعلیم فی عهد بنی‌مرین»، *مجلهٔ قرآن و حدیث*، دارالحدیث الحسنیه، ش ۹، ص ۴۴۳.

فراگیر شده است. سلطان یعقوب‌بن‌عبدالحق‌مرینی نخستین امیر بنی‌مرین بود که دست به تأسیس مدارس زد. پس از این سلطان، اقدامات و کارهای ارزندهٔ وی مورد تقلید فرزندانش قرار گرفت و آنان نیز به نوبهٔ خود در سطحی گسترده اقدام به تأسیس مدارس علمی کردند و موقوفات پر بهره‌ای به آن‌ها اختصاص دادند و برای طلاب حقوق و مستمری کافی در نظر گرفتند.[۱]

ابن‌مرزوق در *مسندش* آورده است که ساخت مدارس در مغرب تا زمان ابویوسف یعقوب-بن‌عبدالحق مرینی رایج نبود و او نخستین مدرسه را به نام مدرسهٔ حلفاویین در شهر فاس بنا کرد.[۲] همچنین در مورد ساخت مدرسهٔ حلفاویین می‌گویند: ابویوسف مدرسه‌ای در فاس مقابل جامع قرویین ساخت. این برای مغربیان امر آشنایی نبود و از ساختن آن چیزی نمی‌دانستند.[۳] ابن-القاضی نیز می‌گوید: مفضل‌بن‌محمدبن‌دلایی‌العذری‌المری، قاضی فاس، برساخت آن اشراف داشته و اضافه می‌کند که «او نخستین کسی است که سنت بنای مدرسه را در شهر فاس وضع کرد».[۴] البته از ابن‌مرزوق در این باره انتقاد شده و برخی مدارک تاریخی نشان می‌دهند که فکر تأسیس مدارس، منسوب به مرینی‌ها نیست؛ بلکه پیش از آن‌ها وجود داشته و شاید نخستین مدرسه‌ای که در مغرب بنا شده است به سدهٔ پنجم و به اجاج بن زلو اللمطی برگردد، که شاگرد ابوعمران فاسی در زمان مرابطین بود. وی برای طلب علم به شهر سوس اقصی رفته بود.[۵]

همچنین در ضمن بعضی کتاب‌های تراجم مطالبی آمده است که گزارش فوق را تأیید می‌کند؛ مثلاً دربارهٔ علامه ابوزید الهزمیری که او را برای دفن به فاس منتقل کرده بودند، نقل شده که در نزدیک مسجد صابرین که اکنون معروف به روضهٔ سید ابومدین است، در قدیم مدرسه‌ای بوده،[۶] و اضافه می‌کند که این مدرسه در قدیم مدرسهٔ صابرین و مرابطین لمتونیه نام داشته، به سبب آن‌که یوسف‌بن‌تاشفین، پس از ورود به شهر فاس در سال ۴۶۲هـق/۱۰۹۶م آن را ساخته

---

۱ عباس‌بن‌ابراهیم‌التعارجی‌السلاوی(۱۹۹۳م)، *الاعلام بمن حل مراکش و اغمات من اعلام*، به کوشش عبدالوهاب‌بن‌منصور، ج۲، الرباط: المطبعة الملکیة، چ۲، صص ۳۱-۳۲.

۲ محمدبن‌احمدبن‌محمدبن‌مرزوق(۱۹۸۱م)، *المسند الصحیح الحسن فی مآثر مولانا ابوالحسن*، تحقیق ماریا خبسوس بیغیرا، مراجعه محمود ابوعباد، الجزائر: الشرکة الوطنیه للنشر و التوزیع، ص ۴۰۵.

۳ المنونی، همان، ص ۲۰۹.

۴ احمدبن‌محمدالمکناسی‌بن‌القاضی(۱۹۷۳م)، *جذوة الاقتباس فی ذکر من حل من اعلام مدینة فاس*، ج۱، رباط: دار المنصور للطباعة و الوراقة، ص ۳۳۹.

۵ عبدالعزیزبن‌عبدالله(۱۹۶۹م)، «تاریخ تعلیم الاسلامی»، *مجلة دعوة الحق*، س۴، ش۱، صص ۵۳- ۵۸.

۶ عبدالهادی التازی(۱۹۷۳م)، جامع القرویین المسجد و الجامعة بمدینة فاس، ج ۱، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، چ۱، صص ۱۲۱-۱۲۲.

است.[۱] بعضی دست نوشته‌های مجهول المؤلف نیز همگی تأیید می‌کنند که مدرسهٔ مذکور به همت مرابطین ساخته شده و بعد از سقوط آنان، هنگامی که موحدون در سال ۵۴۰ هـ‌ق/ ۱۱۴۵م به این شهر آمدند، شاگردان این مدرسه نخستین کسانی بودند که در برابر آنان مقاومت و شورش کردند و پایداری زیادی از خود نشان دادند و در نهایت، پس از محاصره‌ای طولانی، موحدون موفق شدند و شمار زیادی از آن‌ها را کشتند. لذا این مدرسه بعد از این به نام مدرسهٔ صابرین معروف شد.[۲] بقایای این مدرسه در جایی است که به نام حومهٔ الکغاطی معروف بود.[۳] همچنین اسناد وقفی قدیمی دلالت روشنی است بر این‌که بر مدرسهٔ مذکور وقفیات زیادی شده است.[۴]

علاوه بر این، بعضی مصادر تاریخی شماری از مدارس را به عصر موحدون نسبت داده[۵] و ثابت کرده‌اند که در این دوران مدارسی در مغرب ساخته شد. از جملهٔ آن‌ها مدارسی بود که در شهر سبته و طنجه و فاس و مراکش ساخته شد و مدرسان متخصص آن‌ها بر علمای قرطبه و اشبیلیه و غرناطه سبقت گرفتند.[۶] ابن‌ابی‌زرع در این باره می‌گوید: ابویوسف یعقوب‌بن‌امیرالمؤمنین ابویوسف‌بن‌عبدالمؤمن‌بن‌علی در سرزمین افریقیه و مغرب و اندلس مدارسی بنا کرد و مسئولانی از فقها و ... بر آن گماشت که در آن زمان زینت‌الدهر شد و عزت اسلام را بالا برد.[۷] نام عبدالمؤمن و نوه‌اش یعقوب منصور هر دو در ساخت مدارس این عصر مشهور است. عبدالمؤمن مدارسی در مراکش ساخت.[۸] ابویوسف نیز در مراکش مدرسه‌ای ساخت و اسمش را مدرسهٔ ابن‌یوسف گذاشت؛ البته بعضی معتقدند که مؤسس آن مدرسه علی بن‌یوسف‌بن‌تاشفین‌مرابطی بود. چرا که سلطان مرینی ابویوسف بوده است.[۹]

---

۱ همان، صص ۱۲۱-۱۲۲؛ حسن السائح، همان، ص ۳۶.

۲ عبدالهادی التازی، همان‌جا.

۳ همان‌جا.

۴ ابوالحسن‌علی‌بن‌عبدالله‌ابن‌ابی‌زرع‌فاسی(۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس*، الرباط: المطبعة الملکیه، ص۲؛ احمدبن‌یحیی الونشریسی(۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م)، *معیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب*، به کوشش محمد حجی و دیگران، ج۷، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ص۲۱۰؛ مری-عبدالسلام‌بن‌عبدالقادربن‌سوده(۱۹۶۰-۱۹۶۵م)، *دلیل المورخ المغرب الاقصی*، ج۲، دارالبیضاء: دارالکتاب، ص ۱۰۲.

۵ ابن‌ابی‌زرع‌فاسی، همان، ص ۱۵۴؛ محمدالمنونی[بی‌تا]، ص ۲۰۹.

۶ محمد المنونی (۱۳۶۹ق/۱۹۵۰م)، *العلوم و الفنون علی عهد الموحدین*، تطوان: مطبعة المهدیه، صص ۲۰-۲۱.

۷ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۵۲.

۸ التعارجی السلاوی، همان، ج ۳، ص ۴۷؛ و المنونی، همان، صص ۲۰-۲۱.

۹ ابوالحسن علی‌بن‌عبدالله‌ابن‌ابی‌زرع فاسی(۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م)، *الذخیرة السنیه فی تاریخ الدولة المرینیه*، الرباط: دارالمنصور الطباعه والوراقه، چ۲، ص ۱۰۰؛ المنونی[بی‌تا]، ص ۱۹۹.

به نظر می‌رسد مدارسی که موحدون بنا کردند، سه نوع بوده است: مدارس عمومی برای کار و دانش آموختن به کارگزاران موحدون و تشکیل کادر اداری برای دستگاه آنان.[۱] مدارسی که مخصوص آموزش امرای موحدی بود که با تعالیمش امرا را با روش خاصی آماده می‌کرد تا اوقات فراغتشان کاهش یابد و اهداف بلندی در سر بپرورانند؛[۲] و در نهایت مدرسه‌هایی که در شهر رباط، فن دریانوردی آموزش می‌دادند و شاید این‌گونه مدارس نخستین نوع از مدارس آموزش دریانوردی در جهان اسلام بوده باشند.[۳]

در عین حال، عده‌ای نیز منکر تأسیس مدارس توسط موحدون هستند و معتقدند که ساخت نخستین مدارس مغرب از مظاهر علمی بنی‌مرین است. «غنیمه» گزارش ابن‌ابی‌زرع را که در ذیل اخبار یعقوب‌بن‌عبدالمؤمن منصور موحدی(م: ۵۹۵ هـ‌ق) آورده است، انکار می‌کند و می‌گوید: درست نیست که او در بلاد افریقیه و مغرب و اندلس مدارسی ساخته باشد. نظر غنیمه بر این است که در دیگر مصادر تاریخی اخباری دال بر تأیید گفتهٔ ابن‌ابی‌زرع دیده نمی‌شود. از طرفی اگر یعقوب موحدی یا دیگر سلاطین موحدون مدارسی در آن دیار تأسیس کرده بودند، این مدارس برای روزگاران پس از ایشان هم بایستی به یادگار می‌ماند و معقول نیست که آثار این قبیل تأسیسات بلافاصله محو و نابود شده باشد. زیرا زمان بین درگذشت یعقوب موحدی، تا روی کار آمدن دولت مرینی، به یک سده هم نمی‌رسد و این مدت برای محو آثار این مدارس به صورتی که در دوره‌های بعد اثری از آن نماند، کافی نیست و امثال این مؤسسات غالباً و علی رغم دگرگونی‌های سیاسی به قدمت و قدرت دوام ممتاز است و این نظر، به دلیل اتکای حیات مالی این مؤسسات بر نظام وقف و نیز استحکام بنیان ساختمان آن بناها، موجه می‌نماید.[۴]

البته می‌دانیم که موحدون در مغرب به نشر قرائت خاصی از اسلام و دعوت به آن می‌پرداختند و لذا اگر در این منطقه دست به تأسیس مدارس هم زده باشند، با هدف نشر تعلیم مفاهیم جدید خود، و یا چنان‌که گفته شد، به منظور آماده کردن نیروها برای مناصب اداری یا نظامی خویش بوده است. بنابراین ممکن است مدارسی که توسط موحدون ساخته شده، مدارسی

---

۱ محمدعادل‌عبدالعزیز(۱۹۸۷م)، *التربیة الاسلامیه فی المغرب اصولها المشرقیه...*، القاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب، ص۶۸.

۲ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۱۴۳.

۳ عثمان‌الکعاک(۱۹۶۵م)، *الحضارة العربیة فی حوض البحر الابیض المتوسط*، [بی‌جا]، جامعة الدول العربیه، معهد البحوث و الدراسات العربیه، ص ۵۵.

۴ محمدعبدالرحیم‌غنیمه(۱۳۷۲ش)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمهٔ نورالله کسایی، تهران: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چ۲، ص ۱۰۷.

به مفهوم خاص بوده که هدف فرهنگی معینی داشته است؛ نه مدارسی از آن‌گونه که در عصر بنی‌مرین مشاهده گشته‌اند.

مهم‌ترین مدارس مغرب در دورهٔ بنی مرین

با آغاز عصر بنی‌مرین، شاهد ساخت گستردهٔ مدارس در سراسر مغرب هستیم که بسیاری از آن‌ها مشهور و ماندگار شدند. ساختن مدرسه در عهد مرینی ها تنها در پایتخت – فاس– صورت نمی‌گرفت، بلکه در دیگر شهرهای مغرب هم رخ می‌داد. بدیهی است در این مدارس علاوه بر ادبیات عربی به عنوان ابزار ورود به علوم اسلامی، دیگر علوم شرعی نیز، همچون فقه و عمدتاً فقه مالکی، حدیث، تفسیر، علم قرائت و علم کلام، در سطوح مختلف تدریس می شد. مدارسی که در نقاط دوردست واقع بودند، عموماً به مباحث اولیه و پایه‌ای در این علوم اکتفا می کردند و آموزش در سطوح بالاتر و عالی تر در مدارس شهرهای بزرگ مغرب متمرکز بود. در اینجا مهم‌ترین مدارس تأسیس شده در این دوره را مرور می‌کنیم:

مدرسهٔ الحلفاویین. نخستین مدرسه‌ای که بنومرین در مغرب ساختند، مدرسهٔ حلفاویین در شهر فاس در سال ۶۷۰ هق/۱۲۷۱م بود،[۱] که به مدرسهٔ صفاریین نیز شهرت داشت؛ چرا که در نزدیکی بازاری بود که در آن نحاس اصفر – فلز برنج– درست می‌کردند. در سندهای وقفی قدیم، این مدرسه به نام حلفاویین است. همچنین به نام مدرسهٔ «یعقوبیه» نیز مشهور بوده است. از زمان تأسیس این مدرسه اوقاف زیادی به آن اختصاص دادند که برای حاجات و خواسته‌ها و هزینه‌های طلاب و مجالس علمی صرف می‌شد.[۲] سلطان به دانشجویان آن مستمری می‌داد و بعدها کتابخانه‌ای به آن ملحق کردند و دست نوشته‌هایی که پادشاه قشتالی، یعنی سانچو، به آن‌ها تسلیم کرده بود بر آن وقف نمودند.[۳]

مدرسهٔ القاضی. امروزه به نام مدرسهٔ الفیلالیه معروف است و دلیل این انتساب را نیز گفته‌اند که در آن مدرسه طلاب اهل تافیلالت ساکن شدند.[۴]

---

۱ عبدالرحمن‌بن‌خلدون‌حضرمی(۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر*، ج ۷، بیروت: دارالفکر، ص ۲۱۰؛ الجزنانی(۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، جنی زهرة الآس فی بناء مدینة فاس، الرباط، المطبعة المکیه، چ۲، ص ۷۴؛ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۵۴.

۲ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳ ابن‌خلدون، همان، ج ۷، ص ۲۱۰؛ و الجزنانی، همان، صص ۷۴، ۷۵؛ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۵۴.

۴ ابن‌غازی المکناسی، همان، ص ۳۴.

مدرسهٔ مدینة البیضاء یا فاس جدید. سلطان ابوسعید دستور ساخت این مدرسه را در شهر فاس جدید، که پایتخت جدید بنی‌مرین بود، در سال ۷۲۰ صادر نمود[۱] که بنای آن در سال ۷۲۱ تکمیل شد. سپس در آنجا آغاز به تدریس شد.[۲]

مدرسهٔ عطارین. سلطان ابوسعید ساخت مدرسهٔ عظمی یا عطارین در فاس را سال ۷۲۳هق /۱۳۲۳م صادر کرد[۳] که بنای آن در سال ۷۲۵ /۱۳۲۴–۱۳۲۵تکمیل شد. این مدرسه به علت آن‌که روبه‌روی بازار عطارین بنا شده بود، مدرسهٔ عطارین نام گرفت و شیخ عالم ابومحمد-عبدالله‌بن‌قاسم‌المزوار بر ساختن آن نظارت کرد و خود سلطان، هنگام آغاز ساختمان آن حضور یافت و سنگ بنای اولیه‌اش رابه دست خود به زمین نهاد.

مدرسهٔ صهریج. امیرابوالحسن‌بن‌ابوسعید که در زمان سلطنت پدرش ولیعهد او بود، مدرسهٔ صهریج فاس را بنا کرد و آب چشمه‌ای خارج از باب الحدید را –که یکی از ابواب خاص بود– به سوی آن جاری نمود. او بر آن مدرسه اموال زیادی انفاق کرد که بیش از صد هزار دینار بود و باغ‌های زیادی بر آن وقف نمود. این مدرسه را مدرسةالکبری نیز نامیده‌اند. جامع اندلس در جانب غربی این مدرسه واقع بود؛ از این رو، به آن مدرسهٔ اندلس هم می‌گفتند. در پیرامون آن آبخوری و وضوخانه و مسافرخانه‌ای برای اقامت دانشجویان وجود داشت.[۴]

مدرسهٔ سبعین. محلی بود برای آموزش قرائت‌های هفت‌گانهٔ قرآن کریم. این مدرسه در منابع قدیم‌تر به مدرسهٔ استادان و همچنین مدرسهٔ صغری هم نامیده شده است.[۵] ابوالحسن-مرینی در زمان ولیعهدیش(۷۲۰ هق/۱۳۲۱–۱۳۲۲م) شروع به ساخت آن کرد و در ربیع‌الاول سال ۷۲۳ق/ ۱۲۲۳م بنای آن ساختمان را تکمیل نمود، و همچنین کتابخانه‌ای برای آن ساخت.[۶]

مدرسهٔ جامع کبیر در تازا. ابن‌مرزوق در مورد این مدرسه گفته است: «ابوالحسن در زمان ولایتعهدیش در شهر تازا مدرسه‌ای نیکو ساخت».[۷] همچنین وی در این شهر مدرسة الحسنه را

---

۱ ابن‌ابی‌زرع فاسی(۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، ص ۲۹۹؛ المنونی[بی‌تا]، ص ۱۹۷.
۲ المنونی، همان، ص ۱۹۷.
۳ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۳۰۰.
۴ همان، ص ۲۸۰.
۵ المنونی، همان، ص ۱۹۷.
۶ همان، ص ۲۱۰.
۷ ابن‌مرزوق، همان، ص ۴۰۵.

بنا کرد.[۱]

مدرسه عظمی در مراکش. ابوالحسن مرینی پس از بر تخت نشستن در مغرب، در شهر مراکش روبه‌روی جامع ابن‌یوسف مدرسهٔ بزرگی بنا کرد. سلاوی می‌گوید: «هر کسی براین مدرسه درنگ کند و تزیینات و تجملات آن را مشاهده کند به قدر سلطان و همت بلند و علاقه‌اش به علم و اهل علم پی می‌برد».[۲]

مدرسهٔ الوادی. این مدرسه پایین‌تر از جامع اندلس در شهر فاس قرار داشت. به قول ابن مرزوق، ابوالحسن مرینی آن را ساخته است و البته تاریخ دقیق بنای آن معلوم نیست.[۳] بجز او، جزنانی هم اشاره کرده که این مدرسه در سال ۷۲۵ق /۱۳۲۴–۱۳۲۵م موجود بوده است.[۴]

مدرسهٔ مصباحیه. این مدرسه را سلطان ابوالحسن در سال ۷۴۲ ساخت؛ در داخل جامع قرویین واقع بود و وجه تسمیه‌اش بدین قرار بود: هنگامی که سلطان ابوالحسن آن را ساخت، فقیهی به نام ابوالبیضاء مصباح بن عبدالله الیاصولتی را عهده دار تدریس آنجا کرد. به سبب کاربرد گستردهٔ سنگ رخام در بنایش، آن را مدرسهٔ رخام نیز نامیده‌اند.

البته این‌ها که نام برده شد، تمام آن مدارسی نیست که سلطان ابوالحسن بنا کرد، بلکه وی در همهٔ شهرها، از جمله مکناسه، طنجه، سبته، انفا، ازمور، اسفی، اغمات، قصر الکبیر و جزائر نیز مدرسه ساخت.[۵]

مدرسهٔ عنانیه. در زمان سلطان ابوعنان(۷۴۹–۷۶۰ هـ‌ق/۱۳۴۸–۱۳۵۹م) بزرگ‌ترین مدرسهٔ مغرب ساخته شد. او این مدرسه را در سال ۷۵۱ بنا نهاد، به نام خود وی شهرت یافت و تا به امروز پیوسته باقی مانده است.[۶] او خود سلطانی عالم، شاعر و ملازم علما بود. او عالم به منطق و اصول دین، و از علوم عربی، مثل حساب بهره‌مند، و حافظ قرآن و آگاه به ناسخ و منسوخ، و حافظ حدیث، و مطّلع از رجال حدیث، و نیز نویسنده‌ای توانا بود.[۷]

مدرسهٔ عنانیه از مدرسه‌های متفاوت و از برجسته‌ترین انواع مدارس محسوب می‌شود. از

---

۱ همان، ص ۲۷۳.
۲ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۸۶.
۳ ابن‌مرزوق، همان، صص ۴۰۵-۴۰۶.
۴ الجزنانی، همان، صص ۳۷-۳۸؛ المنونی، همان، ص ۱۹۸.
۵ ابن‌مرزوق، همان، ص ۲۷۳.
۶ غنیمه، همان، ص ۱۱۴.
۷ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۱۰۱.

ویژگی‌های ممتاز این مدرسه این است که دارای اتاق‌های بزرگی است که فقط مخصوص سالن اجتماعات و کلاس درس است. از همان آغاز نیز اماکنی برای اقامت طلاب در نظر گرفته شده بود.[۱]

ابوعنان در سال ۷۵۶ مدرسه دیگری ساخت؛ یا در واقع بنای مدرسه‌ای را که ابوالحسن در شهر مکناس آغاز کرده بود، به اتمام رسانید. این مدرسه نیز به نام مدرسهٔ عنانیه معروف شد؛ یعنی به ابوعنان که بنای آن را به اتمام رسانید، نسبت داده شد..

مدرسهٔ پزشکی. از زمانی که بنی‌مرین زمام امور را در مغرب اقصی به دست گرفتند، بر تأسیس بیمارستان‌ها یا مدارس طب نظری اهتمام داشتند. مغرب در عصر بنی‌مرین از نظر طبی دو نوع آموزشگاه داشت:۱.مدارس طب نظری؛ ۲. بیمارستان‌ها، که بیشتر جنبهٔ عملی داشتند.

گرچه آن‌ها بر تأسیس مدارس طب نظری اهتمام می‌ورزیدند، امّا بجز مدرسهٔ بزرگی که سلطان ابوالحسن در شهر سلا بدین منظور ساخت، مورد دیگری مشاهده نمی‌شود. تخصّص این مدرسهٔ بزرگ در علوم طبی بود.[۲]

اما در مورد بیمارستان ها این‌گونه نیست و ما گزارش های متعددی در دست داریم. سلطان یعقوب‌بن‌عبدالحق – نخستین سلطان بنی‌مرین– بر تأسیس بیمارستان‌ها و تعیین پزشکان برای آن‌ها بسیار مصر بود.[۳] دیگر سلاطین بنی‌مرین نیز از او پیروی کردند و بیمارستان‌هایی ساختند. سلطان یوسف‌بن‌یعقوب بیمارستانی در تلمسان ساخت.[۴] همان‌طور که سلطان ابوالحسن مرینی در فاس بیمارستانی ساخت.[۵] او همچنین به ترمیم یکی از بیمارستان‌هایی پرداخت که در نزدیک قیساریهٔ فاس قرار داشت. ادارهٔ این بیمارستان‌ها زیر نظر دولت تعیین می‌شد، چنان‌که در این راستا سلطان ابوعنان مرینی ادارهٔ بیمارستان فاس را به محمدبن‌قاسم‌بن‌ابوبکر قرشی مالقی سپرده بود.[۶] همچنین بنایی که نام مدرسهٔ الجامع الکبیر به آن اطلاق شده، به عنوان بیمارستان العزیزی المرینی شناخته شده است. بیمارستان العزیزی منسوب به مؤسس آن سلطان ابوفارس

---

۱ روجیه لوتورنو(۱۹۶۷م)، *فاس فی عصر بنی‌مرین*، ترجمهٔ نیکولا زیاده، بیروت-نیویورک: نشر بالاشتراک مؤسسة فرنکلین للطباعة والنشر ص ۴۴.

۲ عبدالهادی التازی، همان، ص ۳۵۷؛ عادل عبدالعزیز، همان، ص ۷۳.

۳ ابن‌ابی‌زرع فاسی(۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م)، ص۱۰۰.

۴ ابن‌خلدون، همان، ج۷، ص ۲۲۱.

۵ ابن‌مرزوق، همان، ص۲۷۶.

۶ ابن‌قاضی، همان، ص ۱۹۱.

عبدالعزیزبن‌علی‌بن‌عثمان المرینی است و تاریخ بنای آن به سدهٔ هشتم هجری قمری بازمی‌گردد.[۱]

این بیمارستان‌ها از لحاظ آموزش طب ممتاز بودند و در زمینهٔ شناخت بیماری‌ها و داروها و درمان بیماری‌های صعب العلاج مفید واقع می‌شدند.[۲]

امکانات و خدمات مدارس به طلاب

بنومرین در مغرب از نخستین کسانی بودند که به پذیرش طلاب علم از دیگر نقاط مملکت خود، غیر از پایتخت، توجه می‌کردند. مدارس موحدون چنین شرایطی فراهم نساخت. سلاطین مرینی برای هر طلبه بر مبنای مدت تحصیل علم حق سکونت درنظر می‌گرفتند تا مبادی ضروری را در علوم و فنون مختلف بیاموزد. طلاب و اساتید و کارکنان این مدارس از اموال اوقافی بسیاری که بر آن‌ها می‌بخشیدند، استفاده می‌کردند.[۳] سلاطین، برای استادان و شاگردان مدارس حقوق ماهیانه‌ای اختصاص می دادند. دولت هر آنچه در طول سال‌های تحصیل برای شاگردان و استادان لازم بود، فراهم می آورد و آنان را از حق سکونت رایگان برخوردار می‌کرد و بر عالمان این مدارس حقوق دائمی جاری می‌ساخت.

اوقافی که سلاطین به مدارس و طلاب اختصاص می‌دادند، برای گذران زندگی شمار زیادی از استادان و دانشجویان کافی بود و لذا تعداد بسیاری دانشجو به این مدارس روانه می‌شدند و به انواع علوم می‌پرداختند.[۴] موقعیت راهبردی شهرهای فاس و تلمسان باعث شده بود که مراکز علمی و آموزشی این دو شهر برجسته‌تر و باشکوه‌تر از دیگر شهرها باشد؛ به همین دلیل بعضی از این مدارس تا به امروز باقی مانده‌اند.

سلاوی می‌گوید: «در طول اعصار هیچ سلطانی مثل (مدرسهٔ عطارین) مدرسه‌ای نساخت. او(سلطان ابوسعید) بر آن چشمه‌های بسیاری جاری کرد و فقهایی برای تدریس علم تعیین کرد و دانشجویانی در آنجا اسکان داد و برای آنجا امام جماعت و مؤذن و خادمی فرستاد تا اوامر او را اجرا کنند و برای هر یک از آن‌ها حقوقی تخصیص داد و املاکی خرید و به امید پاداش از خدای تعالی بر آن وقف کرد».[۵] و یا صاحب *الانیس المطرب* می‌نویسد:«سلطان ابوالحسن بر

---

۱ عبدالعزیز السالم سحر السید[بی‌تا]، *مدینة الرباط فی التاریخ الاسلامی*، قاهره: الازهر، شباب الجامعه، ص ۱۴۷.

۲ غنیمه، همان، ص ۱۱۸.

۳ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۵۶.

۴ عبدالقادر زمامه(۱۹۷۷م)، «بنومرین بفاس»، *مجلة البحث العلمی*، س ۱۴، ش ۲۷، ص ۲۷۲.

۵ السلاوی، همان، ج ۲، ص ۵۴؛ ابن‌ابی‌زرع‌فاسی(۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، ص ۲۸۱.

مدرسهٔ صهریج اموال زیادی انفاق کرد که بیش از صد هزار دینار بود و باغ‌های زیادی بر آن وقف نمود و در اطراف آن آبخوری و وضوخانه و مسافرخانه‌ای برای اقامت دانشجویان ساخت».[۱]

از افتخارات آموزشی دولت بنی‌مرین اختصاص خوابگاه برای دانشجویان بود. نظام خیریه امکان آن را فراهم می کرد که طلبه تا پایان دورهٔ آموزشی‌اش، در آنجا اسکان یابد. این نوع امکانات باعث شد طلاب بسیاری از سرزمین‌های مختلف مغرب برای فراگیری دانش به این منطقه روانه شوند.

این مدارس برای هر دانشجوی بیگانه و غریبی اتاقی در نظر می‌گرفت، تا جایی که حتی بعضی مدارس بیش از صد اتاق داشت. مثلاً مدرسهٔ مصباحیهٔ فاس دارای ۱۷۰ اتاق بود.[۲] با افزایش شمار دانشجویان، هر اتاق برای دو یا سه دانشجو و هر تعداد که ظرفیت داشت، اختصاص می‌یافت. امکانات رفاهی و بهداشتی در این اماکن به گونه‌ای بود که دانشجو از حضور در حلقه‌های درسی و مطالعهٔ کتاب‌ها و آماده‌سازی درس‌هایش باز نماند و بر اثر این دشواری‌ها و مسائل مادی دیگر به سختی نیفتد.[۳]

این خوابگاه‌ها صرفاً در اختیار دانشجویان قرار نمی‌گرفت، بلکه عالمان و استادان و مربیان هم در آنجا اقامت می‌کردند و لازم نبود استاد برای تدریس در مدرسه به تردد بپردازد، بلکه گاه در همین مکان سکونتش و گاه در جاهای دیگر تدریس می‌کرد.[۴]

مدت اقامت دانشجویان در این اقامتگاه‌ها محدود و مشخص بود. زمان اقامت مجاز در بسیاری از مساجد جامع تا ۱۶ سال، و در برخی شهرها همچون تونس تا ۱۵ سال تعیین شده بود.[۵]

علاوه براین خدمات، امرا برای مراقبت مسئولانی هم به‌کار می‌گماشتند.[۶] استخدام افراد برای خدمت در مدارس این گونه بود: امامی برای نماز و اذان و برپاداشتن آن، کسی برای

---

۱ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۲۸۰.
۲ اندریژولیان(۱۹۷۸م)، *تاریخ افریقیا شمالیه*، ترجمهٔ محمد مزالی و البشیر بن سلامه، ج۲، تونس: دارالتونسیه، ص ۲۴۱.
۳ محمدلواح(۱۴۱۲ق)، «مراکز التعلیم فی عهد بنی‌مرین»، *مجلهٔ قرآن و حدیث*، دارالحدیث الحسنیه، ش ۹، ص ۴۳۹.
۴ غنیمه، همان، ص ۳۴۳.
۵ ابن‌خلدون(۱۳۷۵ش)، *مقدمهٔ ابن‌خلدون*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ۸، ص ۳۹۸.
۶ عبدالقادر زمامه، همان، ص ۲۷۲.

روشن کردن چراغ‌ها، و یک نگهبان که بر کتابخانه و مدرسه نظارت کند.[۱]

معماری مدارس بنی مرین

شکل مدرسه در مغرب به طور عام به صورت مستطیل بود و در وسط صحن آن حوض بزرگی از آب قرار داشت و در ضلع کوچک آن جایگاهی برای تدریس و در ضلع بزرگ آن مساکن و خوابگاه‌های دانشجویان مشاهده می‌شد و یک نمازخانهٔ کوچک نیز برای ادای نماز وجود داشت.[۲] طرح و نقشهٔ مدرسه با مسجد متفاوت بود و بستگی به اهدافی داشت که برای آن ساخته می‌شد.

سبک مدارس مغرب با سبک مدارس در شرق متفاوت بود، در مغرب جایگاهی برای تدریس بود؛ ولی در شرق دو یا چهار جایگاه برای این منظور وجود داشت، چرا که در مغرب همگی از مذهب مالکی پیروی می‌کردند؛[۳] به این ترتیب، به جایگاه‌های دیگری برای تدریس سایر مذاهب نیازی نبود. بعضی مدارس که مرینی‌ها ساختند، متفاوت است. مثل مدرسهٔ صفاریین با وسعت کم نظیرش، و مدرسهٔ مصباحیه که ۱۷۰ غرفه و سایبانی زیبا از چوب منقوش و همچنین دهلیز ورودی داشت؛ ورودی‌های مصلای آن نیز متفاوت بود.[۴] ابن‌مرزوق که خود شاهد ساخت مدارس بنی‌مرین بوده می‌گوید بنا و معماری مدارس، مثل معماری دیگر بناهاست؛ اما در این بنا نقش‌ها و تزیینات و ادوات مختلف از جنس سفال و سنگ مرمر و چوب‌های محکم به طور خاص وجود دارد.[۵]

در دورهٔ مرینیان بسیاری از هنر کاران اندلسی به مغرب مهاجرت کردند و همانان پوشاندن دیوارها با گچبری را باب کردند و برای انجام‌گرفتن این منظور گچبری را در سطوح مختلف به کار می‌بردند، به طوری که به نظر می‌رسید تزیین از چندین لایه از اشکال مشبک سوار بر یکدیگر تشکیل شده است. با این شیوه سختی و سنگینی دیوارها گرفته می‌شد و

---

۱ ابن‌ابی‌زرع فاسی، همان، ص ۳۰۰.

۲ ژولیان، ج ۲، همان‌جا.

۳ الفردبل(۱۹۸۷م)، *الفرق الاسلامیه فی الشمال الافریقی...*، ترجمه عن الفرنسیة عبدالرحمن بدوی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ص ۳۲۲.

۴ ژولیان، ج ۲، همان‌جا.

۵ ابن‌مرزوق، همان، ص ۲۷۳.

دیوارها به سبُکی جدار خیمه‌ها به نظر می‌رسید.[۱]

از زیباترین مدارس این دوره می‌توان مدرسهٔ العطارین (۷۲۲-۷۲۶هق/۱۳۲۳-۱۳۵۰م) و عنانیه (۷۵۱-۷۵۹هق/۱۳۵۰-۱۳۵۷م) را در فاس، و مدرسهٔ ابوالحسن (۷۴۲هق/۱۳۴۱ م) را در سلا نام برد.

در مدرسهٔ عنانیه سطح هر چهار نمایی که به طرف صحن مدرسه باز می‌شود، با تزیینات بسیار ظریف پوشیده شده است. سطح زیرین با کاشی‌های لعابی (زلاجه) پوشانده شده است. قسمت مرکزی دارای کنده کاری‌های گچی است و قسمت بالایی را نیز کنده کاری‌های چوبی فراگرفته است. تابلوهایی با تزیین گل در کنار تابلوهایی قرار گرفته‌اند که اشکال هندسی و حواشی کتیبه مانند روی آن‌ها نقش بسته است.[۲] ابن‌بطوطه در مورد مدرسهٔ عنانیه می‌گوید: «من نه در سوریه و نه در مصر و نه در عراق و نه در خراسان مانند آن ندیدم».[۳]

نقشهٔ مدارس و زاویه‌ها، شباهت زیادی به هم دارند: بنایی با یک صحن مرکزی که پیرامون آن را تالارهایی فراگرفته و نیز یک نمازخانه و تعدادی اتاق برای اسکان طلاب در طبقات مختلف ساختمان.[۴]

روبه‌روی در ورودی مدرسهٔ عطارین صحن مدرسه و در طرف راست طبقهٔ بالای آن غرفه‌های طلاب و در طرف چپ دار الوضوء و در مقابل آن اتاق‌های درس قرار دارد. این مدرسه همان طور که از شرح زندگی شیخ ابن العباس بن البناء المراکشی (م: ۷۲۳هق) درزمان ورودش به شهر فاس می‌توان فهمید، و نیز از شرح حال شیخ المکودی (م: ۸۰۷ هق) و شرح حال ابن الفتوح (م: ۸۱۸ هق) برداشت می‌شود، محل تدریس درس‌های فقه و نحو بوده است.[۵]

ساختن مدرسهٔ عنانیه هفت سال طول کشید. این بنا نقطهٔ آغازی در فن عمارت‌سازی گردید و نمونهٔ خوبی برای بنای ساختمان‌های مرینی شد.[۶] در ساخت این عمارت نقوشی بر گچ و چوب حک کرده بودند، به طوری که هیچ یک از دیوارها و سقف آن خالی از نقش به نظر نمی‌رسید، حتی درهای آن هم نقوشی داشت. جنس درهایش چوب در پوشش برنز و با

---

۱ تیتوس بورکهارت(۱۳۸۹ش)، *فاس شهر اسلام*، ترجمهٔ مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: انتشارات حکمت، ص ۱۲۷.

۲ ژوزف بورلو(۱۳۸۶ش)، *تمدن اسلامی*، ترجمهٔ اسدالله علوی، مشهد: انتشارات آستان قدس، ص ۲۱۰.

۳ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۶۰.

۴ عبدالقادر زمامه، همان، ص ۲۷۲.

۵ عبدالهادی التازی، همان، ج ۲، ص ۳۵۸.

۶ عادل عبدالعزیز، همان، ص ۴۵.

کمال مهارت ساخته شده بود. درهای ورودی آن تزیینات مخصوص داشت. حاشیه‌هایش از عقیق‌های رنگارنگ و کاشی‌هایی با رنگ‌های گوناگون بود؛ همچنین از مرمر دارای رنگ‌های گوناگون استفاده کرده بودند. این فن خاص معماری مرینی ها شد که بر بزرگی و عظمت مؤسسان آن می‌افزود.[۱] صحن مدرسه بسیار وسیع و با مرمر سفید پوشیده شده بود. اطراف حیاط کاشی کاری شده بود و پنجره‌های اتاق به روی گچ کاری حیاط باز می‌شد. در سردر آن کتیبه‌ای بزرگ و مزین به آیات قرآن قرار داشت.[۲]

در انتهای سمت چپ ساختمان مدرسه، منارهٔ بلندی است که از بالای آن می‌توان دیگر مناره‌های شهر را نظاره کرد. این مدرسه تنها مدرسهٔ مناره‌دار شهر فاس است و از دوردست آن را به گونهٔ یک مسجد نشان می‌دهد. در نمای آن بقایای ساعت آبی فوق‌العاده‌ای دیده می‌شود با سیزده رف تزیینی که بعضی از آن‌ها هنوز جام برنزی خاص زنگ ساعت را دارد. این تدبیر بی همتا به فرمان ابوسعید (۷۰۹–۷۳۰ هـ‌ق / ۱۳۱۰–۱۳۳۱م) در سال ۷۱۶ /۱۳۱۷ ارائه و اجرا شد و ابوعنان فارس به دست ابوالحسن علی بن احمد تلمسانی در سال ۷۵۸ /۱۳۵۶ آن را تعمیر کرد.[۳] ساعت مذکور در زمانهٔ خود یکی از شگفتی‌های فنّی به شمار می‌آمد.[۴]

حسن الوزان در حدود یک سده و نیم پس از زمان ساخت، این مدرسه را مشاهده کرده که تا زمان او پیوسته نقش آن حفظ شده بود و زیبایی و جمالش نسبت به ده‌ها مدرسهٔ دیگر که بنای همهٔ آن‌ها به دوران مرینی برمی‌گردد، بیشتر بوده است.[۵]

ساختمان بیمارستان ها هم عموماً از صحن مرکزی مربعی شکلی تشکیل شده که با رواق‌هایی در دور تا دور صحن احاطه شده و بنا به طور کلی شبیه مدارس مرینی است، با این تفاوت که نمازخانه ندارد.[۶]

---

۱ الجزنانی، همان، ص ۷۰.

۲ ابن‌مرزوق، همان، ص ۴۰۵؛ ژولیان، ج۲، همان‌جا.

۳ الشریف محمدبن‌جعفرالکتانی(۲۰۰۴م)، *سلوة الانفاس و محادثة الاکیاس*، تصحیح عبدالله الکامل الکتانی، ج ۳، [بی‌جا]: دارالثقافه، ص ۲۲۵؛ الجزنانی، همان، ص ۴۰.

۴ جاناتان بلوم شیلا بلر(۱۳۸۱ش)، *هنر معماری اسلامی*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، ص ۳۰۹.

۵ جمعی از مؤلفان(۱۴۲۷ق/۲۰۰۷)، الابنیة الفکریة فی الغرب الاسلامی زمن ابن‌خلدون، به کوشش ناصر البغرانی، الدار البیضاء: مطبعة النجاح الجدید، چ۱،صص ۲۱،۲۰؛ الحسن بن محمد الزیانی الوزان(۱۹۷۸م)، *وصف افریقیا*، ترجمه از فرانسه به عربی عبدالرحمن حمیده، المملکة السعودیه: نشر مطابع جامعة محمدبن‌سعود، صص ۲۲۴–۲۲۵.

۶ سحر السید، همان، ص ۱۴۷.

علل شکوفایی نهضت مدرسه‌سازی در عصر بنی‌مرین

نخستین دلیل شکوفایی به اوضاع سیاسی مغرب دراین دوره برمی‌گردد. مرینیان بعد از غلبه بر دشمنان داخلی و خارجی، تا حدی قلمرو ثابتی به دست آوردند و اوضاع آرام شد. به دنبال آن در شهرها امنیت عمومی و رفاه ایجاد شد و سلاطین و دولتمردان توانستند به ساختن مدارس بپردازند. آن‌ها حول جامع قرویین که به مثابهٔ یک دانشگاه بود، مراکز فرعی دیگری به وجود آوردند که در آن طلاب بومی و غیربومی به طور یکسان از آرامش برخوردار بودند و به درس و تحصیل می‌پرداختند.

عامل دیگر، تشویق علما و فرهیختگان توسط سلاطین و پرداخت حقوق کافی ماهیانه به علما و طلاب و به خصوص مشورت با آن‌ها در همهٔ امور و مسائل علمی و دولتی و برگزاری مجالس علمی با علما و مجالست با ایشان بود. مانند سلطان ابوالحسن مرینی و فرزندش ابوعنان که دربارشان پیوسته آکنده از علما بود و با آن‌ها مناقشه‌ها و مناظره‌های بسیاری داشتند که در کتاب مسند به آن‌ها اشاره شده است؛[1] و یا ابویوسف یعقوب بن عبدالحق و ابوسعید که به علم و علما عنایت داشتند و به تشویق آن‌ها می‌پرداختند.

همچنین احداث کتابخانه‌های عمومی دست زدند که برای نخستین بار در مغرب از ابتدای این دوره آغاز شد. در عصر بنی‌مرین خزائن علمی محدود به قصرها نبود و همهٔ کسانی که مشتاق کسب علم و معرفت بودند، می‌توانستند در کتابخانه‌های عمومی از آن برخودار شوند. این کتابخانه‌ها در اماکن سهل الوصول، مانند مساجد و مدارس، قرار داشت و سلاطین مرینی به غنای هر چه بیشتر این کتابخانه‌ها طریق اهدا و وقف با ارزش‌ترین کتاب‌ها اهتمام فراوان می‌ورزیدند. ساخت کتابخانه‌های عمومی تنها به پایتخت فاس منحصر نماند، بلکه شماری نیز در بعضی از شهرهای دیگر ساخته شد؛ مثل شهر سبته که به کثرت کتاب نیز مشهور بود.[2] ساختن کتابخانه‌ها حرکت علمی ایجاد کرد و آموختن و تعلیم و تربیت رایج شد و به توسعهٔ مدرسه سازی در سراسر مغرب منجر گردید.

نخستین سلطان بنی‌مرین، یعقوب بن عبدالحق، تلاش نمود مجموعه کتاب‌های اندلس را از دستبرد غاصبان اسپانیایی حفظ کند. وی برای رسیدن به این هدف آن قدر مصرّ بود که حتی

---

۱ ابن‌مرزوق، همان، صص ۳۶۹- ۳۷۳.

۲ المقری‌التلمسانی(۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م)، *نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب و ذکر وزیرها لسان الدین بن الخطیب*، تحقیق احسان عباس، ج۶، بیروت: دار صادر، چ۶، ص ۲۱۰.

در معاهدهٔ صلحی که بین او و اسپانیایی‌ها منعقد شد، یکی از شروط خود را برگرداندن این کتاب‌ها قرار داد. این شرط در قرارداد صلح با سانچو پادشاه مسیحی اسپانیایی در سال ۶۸۴هـق موجود است.[۱]

سلاوی نیز در *کتاب استقصا* آورده است که سلطان از او خواست کتاب‌های علمیی که به هنگام تجاوز به شهرهای اسلامی به دست نصاری غارت شده بود، برگرداند. از جمله کتاب‌هایی که سلطان اسپانیا فرستاد، ۱۳ مجموعه بود که شماری از مصحف‌ها و تفسیرهای قرآن کریم، مانند تفسیرهای ابن‌عطیه و ثعلبی، و از کتاب‌های حدیثی و شرح‌های آن، مانند *تهذیب* و *استبصار* و از کتاب‌های اصول و فروع دین و ادب عربی و غیره، در جزو آن بود که همه به دستور این سلطان به شهر فاس انتقال یافت و آن‌ها را به مدرسه‌ای که بنا نموده بود وقف کرد؛ سپس آن‌ها را از مدرسه به مساجد و بعضی مؤسسات آموزشی دیگر، مثل رباط‌ها و خانقاه‌ها، انتقال داد. این رویهٔ سلطان یعقوب بن عبدالحق توسط فرزندان او دنبال شد.[۲]

اما عامل بسیار مهم دیگر در شکوفایی نهضت مدرسه‌سازی در مغرب عصر بنی‌مرین، تخصیص اوقاف بر مراکز علمی و طلاب بود. همهٔ مدارس بنا شده توسط بنی‌مرین، به‌رغم تفاوت‌هایشان از لحاظ وسعت و امکانات، متکی بر وقف و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بود. سلاطین تمام امکانات مورد نیاز را برای دانشجویان به وفور مهیا می‌کردند تا آنان هیچ دغدغه‌ای جز تحصیل نداشته باشند.[۳] برتری وقفیات آموزشی بنی‌مرین بر دیگر دولت‌ها کاملاً آشکار است،[۴] که تفصیل بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد.

البته رحلهٔ علما و مسئلهٔ مهاجرت علما به فاس و مغرب، در این دوره نسبت به دوره‌های قبل شدت بیشتری داشت؛ ویژه این‌که شمار زیادی از علمای اندلس وارد مغرب شدند و حوزهٔ جدیدی از فرهنگ و تمدن اسلامی را در مغرب اسلامی پدید آوردند. علمای مهاجر اغلب به شهرهای سبته و فاس پناه می بردند و این شهرها در سایهٔ آن‌ها در زمینهٔ دروس عربی و ادبی نشاطی فراوان پیدا کرد که از آنجا تأثیرشان به دیگر شهرهای مغرب منتشر شد. برای نمونه،

---

۱ ابن‌خلدون(۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، ج۷، ص۳۲۰.

۲ شهاب الدین‌احمدبن‌خالدبن‌حماد الناصری السلاوی(۲۰۰۷م)، *الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصی*، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص۳۱.

۳ حسن السائح، همان، ص ۳۷.

۴ مزاحم علاوی الشاهری(۲۰۰۱م)، *الاوضاع الاقتصادیه فی المغرب علی عهد المرینیین*، بغداد: دارالشؤون الثقافة العامه، ص ۲۰۳.

اگر العامل اندلسی به دستور مرینی‌ها دعوت نمی‌شد، قواعد اندلسی از بین می‌رفت.[۱] فراخوانی و مهاجرت‌پذیری سلاطین مرینی باعث شد، علاوه براندلسی‌ها، گروه‌هایی از دانشمندان شمال افریقا نیز به سوی آنان روانه شوند و در مغرب اسکان یابند، تا جایی که از اهالی این سرزمین به حساب آمدند. از مشهورترین آن‌ها پیشوای تاریخ ابن‌خلدون، لسان الدین بن خطیب، علامه مقری الکبیر تلمسانی، ابن‌مرزوق تلمسانی و ابن‌جزی کلبی اندلسی نویسندهٔ *سفرنامهٔ* ابن‌بطوطه و شمار دیگری را می توان نام برد.

نتیجه‌گیری

عصر بنی‌مرین، با توجه به اقتدار داخلی اکثر امرای این دولت و نیز نبود رقیب جدی خارجی در سراسر مغرب، دوران ثبات و آرامش این منطقه به شمارآمده است. علم و فرهنگ نیز که برای رشد و اعتلاء محیطی امن می جوید، مغرب عصر مرینی را یافت. سلاطین علم دوست و فرهنگ پرور این دولت هم قدردان این نعمت بودند و از هیچ کوششی برای اعتلای علمی سرزمین خود دریغ نکردند، که شاخص ترین آن نهضت مدرسه سازی در سراسر مغرب و توسعهٔ آموزش و علم آموزی در تمام شهرهای مغرب اقصی بوده است.

سلاطین، مدارس و مراکز علمی بسیاری ساختند و به استادان و شاگردان آن‌ها حقوق ماهیانه اختصاص دادند. دولت هر هر آنچه در طول سال‌های تحصیل برای شاگردان و استادان لازم بود، فراهم می آورد و آنان را از حق سکونت رایگان برخوردار می کرد. مدارس حلفاویین، صهریج، سبعین، عطارین، مصباحیه و عنانیه از مهم‌ترین مدارس این دوره بودند. موقعیت راهبردی شهرهای فاس و تلمسان باعث شد که مراکز علمی و آموزشی در این شهرها برجسته‌تر و باشکوه‌تر باشد، که بعضی از آن مدارس تا به امروز باقی است. برتری مرینیان نسبت به دیگر دولت‌ها در این بود که مدارسی با درآمدهای وقف برای طلاب ساختند.

علاوه بر ثبات سیاسی و علم دوستی سلاطین مرینی، مهاجرت گستردهٔ علما از مناطق مختلف به‌ویژه از اندلس به مغرب و نیز ساخت کتابخانه‌های عمومی و اختصاص درآمدهای کلان موقوفات به مدارس را از دیگر علل رشد نهضت مدرسه‌سازی در مغرب عصر بنی‌مرین دانسته‌اند.

از این‌رو، گزافه نیست اگر عصر بنی‌مرین را عصر علم و فرهنگ در مغرب سده‌های میانه

---

۱ المنونی، همان، ص ۲۰۸.

بنامیم؛ دولتی که در زمینه‌های علمی توسعهٔ بسیاری به وجود آورد و این در ساخت مدرسه، ایجاد کتابخانه و تشویق دانشمندان و طلاب علم و تخصیص موقوفات به نفع علم و اختصاص هزینه‌های فراوان به مصالح علما و نویسندگان و طلاب علمی منعکس شده است.

منابع و مآخذ

- ابن‌ابی‌زرع‌فاسی، ابوالحسن علی‌بن‌عبدالله(۱۳۹۲ق /۱۹۷۲م)، *الذخیرة السنیه فی تاریخ الدولة المرینیه*، الرباط: دارالمنصور الطباعه والورقه، الطبعة الثانیه.
- ـــــــ (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس*، الرباط: المطبعة الملکیه.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن‌خلدون‌حضرمی(۱۳۷۵ش)، *مقدمهٔ ابن‌خلدون*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ۸.
- ـــــــ(۱۴۰۸ق /۱۹۸۸م)، *العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر*، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌سوده، مری‌عبدالسلام‌بن‌عبدالقادر(۱۹۶۰–۱۹۶۵م)، *دلیل المورخ المغرب الاقصی*، ج۲، دارالبیضاء: دارالکتاب.
- ابن‌عبدالله، عبدالعزیز (۱۹۶۹م)، مقالهٔ«تاریخ تعلیم اسلامی»، *مجلة دعوة الحق*، س ۴، ش۱، صص ۵۳– ۵۸.
- ابن‌غازی،محمدبن‌محمدالعثمانی‌المکناسی(۱۴۱۲ق/۱۹۹۹م)، *الروض الهتون فی اخبار مکناسةالزیتون*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط: المطبعةالملکیه، الطبعة الثالثه.
- ابن‌القاضی، احمدبن‌محمدالمکناسی(۱۹۷۳م)، *جذوة الاقتباس فی ذکر من حل من اعلام مدینة فاس*، رباط: دار المنصور للطباعة و الوراقة.
- ابن‌مرزوق، محمدبن‌احمدبن‌محمد(۱۹۸۱ م)، *المسند الصحیح الحسن فی مآثر مولانا ابوالحسن*، تحقیق ماریا خبسوس بیغیرا، مراجعه محمود ابوعباد، الجزائر: الشرکة الوطنیه للنشر و التوزیع.
- بل، آلفرد(۱۹۸۷م)، *الفرق الاسلامیه فی الشمال الافریقی من الفتح العربی حتی الیوم*، ترجمه عن الفرنسیة عبدالرحمن بدوی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- بلر شیلا، جاناتان بلوم(۱۳۸۱ش)، *هنر معماری اسلامی*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- بورکهارت، تیتوس(۱۳۸۹ش)، *فاس شهر اسلام*، ترجمهٔ مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، انتشارات حکمت.
- بورلو،ژوزف(۱۳۸۶ش)، *تمدن اسلامی*، ترجمهٔ اسدالله علوی، مشهد:انتشارات آستان قدس.
- التازی، عبدالهادی(۱۹۷۳م)، *جامع القرویین المسجد و الجامعه بمدینة فاس*، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، الطبعة الاولی.
- التعارجی‌السلاوی، عباس‌بن‌ابراهیم(۱۹۹۳م)، *الاعلام بمن حل مراکش و اغمات من الاعلام*، به کوشش عبدالوهاب‌بن‌منصور، الرباط: المطبعة الملکیة، الطبعة الثانیه.
- الجزنانی، علی(۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، *جنی زهرة الآس فی بناء مدینة فاس*، الرباط: المطبعة الملکیه، الطبعة الثانیه.
- جمعی از مؤلفان(۱۴۲۷ هق/۲۰۰۷ م)، *الابنیة الفکریه فی الغرب الاسلامی زمن ابن‌خلدون*، به کوشش

ناصر البعزاتی، الدارالبیضاء: مطبعة النجاح الجدیده، الطبعة الاولی.
- زمامه، عبدالقادر (۱۹۷۷م)، «*بنومرین بفاس*»، *مجلة البحث العلمی*، س ۱۴، ش ۲۷.
- ژولیان، اندری(۱۹۷۸م)، *تاریخ افریقیا شمالیه*، ترجمهٔ محمد مزالی و البشیربن‌سلامه، تونس: دارالتونسیه.
- السائح، حسن(۱۹۶۹م)، «الفکر المغربی فی عصر بنی‌مرین»، *مجلة دعوة الحق*، مجله شهریه تعنی بالدراسات الاسلامیه و بشؤون الثقافة و الفکر، رباط: وزارت عموم الاوقاف، س۱۲ ، ش ۸-۹.
- السید سحر، عبدالعزیز السالم[بی‌تا]، *مدینة الرباط فی التاریخ الاسلامی*، قاهره: الازهر، شباب الجامعه.
- عادل عبدالعزیز، محمد(۱۹۸۷م)، *التربیة الاسلامیه فی المغرب اصولها المشرقیه و تاثیراتها الاندلسیه*، القاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب.
- علاوی الشاهری، مزاحم(۲۰۰۱م)، *الاوضاع الاقتصادیه فی المغرب علی عهد المرینیین*، بغداد: دارالشوون الثقافه العامه.
- غنیمه، محمدعبدالرحیم(۱۳۷۲ش)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمهٔ نورالله کسایی، تهران: مؤسسهٔ‌چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چ۲.
- الکتانی، الشریف محمدبن‌جعفر (۲۰۰۴م)، *سلوة الانفاس و محادثة الاکیاس*، مصحح عبدالله الکامل الکتانی،[بی‌جا]، دارالثقافه.
- الکعاک، عثمان(۱۹۶۵م)، *الحضارة العربیة فی حوض البحر الابیض المتوسط*، [بی‌جا]، جامعة الدول العربیه، معهد البحوث و الدراسات العربیه.
- کنون، عبدالله عبدالصمد(۱۹۷۵م)، *النبوغ المغربی فی الادب العربی*، بیروت: دار الکتاب البنانی، الطبعة الثالثه.
- لواح، محمد(۱۴۱۲ق)، «مراکز التعلیم فی عهد بنی‌مرین»، *مجلهٔ قرآن و حدیث*، دارالحدیث الحسنیه، ش ۹.
- لوتورنو، روجیه(۱۹۶۷م)، *فاس فی عصر بنی‌مرین*، ترجمهٔ نیکولا زیاده، بیروت-نیویورک: نشر بالاشتراک مؤسسة فرنکلین للطباعه والنشر.
- مقری التلمسانی، ابوالعباس‌احمدبن‌محمد(۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م)، *نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب و ذکر وزیرها لسان الدین بن الخطیب*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر، الطبعة السادس.
- المنونی، محمد(۱۳۶۹ق/۱۹۵۰م)، *العلوم و الفنون علی عهد الموحدین*، تطوان: مطبعة المهدیه.
- ----[بی‌تا]، *ورقات عن حضارة المرینین*، رباط: نشر کلیة الآداب و العلوم الانسانیة مملکة المغربیة جامعة محمدالخامس.
- الناصری السلاوی، شهاب‌الدین‌احمدبن‌خالدبن‌حماد(۲۰۰۷م)، *الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- والنشریسی، احمدبن‌یحیی(۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م)، *معیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب*، به کوشش محمد حجی و دیگران، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- الوزان، الحسن‌بن‌محمدالزیانی(۱۹۷۸م)، *وصف افریقیا*، ترجمه از فرانسه به عربی عبدالرحمن‌حمیده، المملکة السعودیه: نشر مطابع جامعة محمدبن‌سعود.